## خبرها

### چهره‌هایی که قرار بود به شورای هماهنگی اصولگرایان بیایند

**گروه سیاسی:** به دنبال تعریف جدیدی که «محمدرضا باهنر» دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین از کارکردهای شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به عنوان محور هماهنگی گروه‌های جناح راست ارائه داد، «مجتبی شاکری» مسئول کمیته سیاسی جمعیت ایثارگران به سایت آفتاب گفت: «هماهنگی و ائتلاف بین اصولگرایان قطعاً وجود دارد اما جامعیت اصولگرایان در جریان انتخابات گذشته ریاست جمهوری کمی مخدوش شد.» شاکری دلیل این امر را «اضافه نشدن اسامی افرادی به شورای هماهنگی» دانست که از سوی «بزرگان» پیشنهاد شده بودند. وی افزود: «هرگاه این شخصیت‌های حقیقی و حقوقی به شورای هماهنگی اضافه شوند، جامعیت این شورا هم محقق خواهد شد.» وی سپس از «حسین شریعتمداری»، «مرتضی نبوی»، «مهدی چمران»، «حداد عادل»، «احمد توکلی» و «رحیمیان» به عنوان گزینه‌های مطرحی نام برد که پیش از این برای ورود به شورای هماهنگی مطرح بودند اما علت حضور نیافتن این عده در شورای هماهنگی را انتخاب «علی لاریجانی» به عنوان کاندیدای نهایی این شورا پیش از ورود این عده به آن دانست. شاکری در پاسخ به این پرسش که «آیا حضور این افراد در شرایط کنونی می‌تواند وضعیت فعلی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را بهبود بخشد؟»، اظهار داشت: «این موضوع به تصمیم خود آقایان و گروه‌های آنها بستگی دارد. البته رایزنی‌هایی در این رابطه وجود دارد که چندان آشکار نیستند.» «حمیدرضا ترقی» عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی هم ضمن اعلام موافقت خود با تعریف جدید باهنر از شورای هماهنگی اظهار داشت: «البته آن مکانیسم سابق شورای هماهنگی تاریخش گذشته است منتها با تعریف جدید آقای باهنر از شورای هماهنگی تمام احزاب اصولگرا شامل هماهنگی در این جریان می‌شوند.» ترقی در پاسخ به این پرسش سایت آفتاب که «در صورت تحقق این امر فکر می‌کند که آیا گروه‌هایی مانند جمعیت ایثارگران یا ائتلاف آبادگران هم به شورای هماهنگی می‌پیوندند؟»، گفت: «مشکلی وجود ندارد، آنها هم می‌پیوندند.» «امیر محبیان» عضو موسس حزب نواندیشان ایران اسلامی نیز اظهار داشت: «اصرار بر ادامه روند فعلی شورای هماهنگی بدون تحلیل صحیح آن باعث می‌شود تا حتی در صورت دستیابی این شورا به یک لیست مشترک برای انتخابات شوراها، این لیست نماینده تمام جریان اصولگرا نباشد.»

### پافشاری دولت بر آرمان‌ها

**ایسنا:** «محمدمهدی همتی» عضو شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی استان تهران گفت: «دولت نهم سعی کرد شعارها را به حوزه عمل بیاورد که یکی از آثار آن، جلوگیری از ایجاد وحدت در جبهه اصلاحات بود.» وی تصریح کرد: «برخلاف دولت قبلی که شعارهای غربی نظیر دموکراسی‌خواهی و یا گفت‌وگو و سازش را دنبال می‌کرد، رویکرد بارز دولت جدید پافشاری و اصرار بر آرمان‌ها و شعارهای انقلابی گذشته از جمله در مسئله انرژی هسته‌ای و مبارزه با رژیم صهیونیستی بود.» وی در عین حال از عملکرد دولت در حوزه مسائل فرهنگی انتقاد کرد و گفت: «برخلاف جهش‌های چشمگیری که دولت در سایر زمینه‌ها داشته، در حوزه فرهنگی تغییری دیده نشد و ارزش‌ها و اصول دینی و اسلامی در ابعاد رفتاری و هنری پیگیری نمی‌شود.» همتی عملکرد وزارت علوم در یک سال گذشته را مثبت ارزیابی کرد و تغییرات ایجاد شده در انتصاب مسئولین جدید را مفید دانست و اظهار داشت: «در یک سال گذشته شاهد رونق فعالیت‌های دانشجویی و سازندگی جو سیاسی دانشگاه بودیم و جبهه‌بندی‌های جدیدی که در تشکل‌ها اتفاق افتاد باعث شد که تشکل‌ها به جای موضع گیری در مقابل هم، به سوی شعارهای بعدی گام بردارند.»

### موضع ستاد کروبی درباره تحقیق و تفحص

**گروه سیاسی:** «رسول منتجب‌نیا» قائم‌مقام حزب اعتماد ملی که در انتخابات گذشته در ستاد انتخاباتی «مهدی کروبی» عضویت داشت، از طرح تحقیق و تفحص از منابع مالی نامزدهای انتخابات گذشته ریاست جمهوری استقبال کرد و گفت: «ما از این امر خوشحال هم می‌شویم اما مجریان این طرح بهتر است در ابتدا به سراغ کاندیداهایی بروند که در ایام انتخابات گذشته می‌توانستند از بیت‌المال استفاده نمایند.» وی در گفت‌وگو با سایت آفتاب افزود: «آقای کروبی جزء معدود کاندیداهایی بود که با حمایت‌های بخش خصوصی در انتخابات گذشته حاضر شد. ایشان در ایام انتخابات گذشته هیچ مسئولیتی در دستگاه‌های حکومتی نداشت و بنابراین هیچ امکانی برای استفاده از بیت‌المال برای ایشان وجود نداشت.» به گفته منتجب‌نیا ستادهای انتخاباتی کروبی به وسیله «کمک‌های مردمی» و یا «استقراض از بانک‌ها» اداره می‌شدند تا جایی که هنوز هم بازپرداخت وام‌های اخذ شده به پایان نرسیده است. وی تصریح کرد: «اگر آقای کروبی به منابع بیت‌المال وصل بودند، جای صحبت وجود داشت اما نه شخصیت ایشان بدین گونه است و نه ایشان امکان استفاده از امکانات بیت‌المال را داشت.» مسئول کمیته روحانیون ستاد انتخاباتی کروبی یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت این ستادها را «دقت نظر و صرفه‌جویی در هزینه‌های مالی» دانست و افزود: «پرداخت‌های ستاد آقای کروبی به اعضای خود یک‌دهم دیگر ستادهای انتخاباتی نبود.»

### برنامه انتخاباتی موتلفه

**ایسنا:** «محمدنبی حبیبی» دبیرکل حزب موتلفه گفت: «به عنوان یک جریان اصولگرا معتقدیم که تشکل‌های همفکر در مجموعه اصولگرایان باید به صورت هماهنگ در انتخابات شرکت کنند. به همین دلیل ارتباطاتی با بدنه اصولگرایان داشتیم و یکی از مهمترین محورهای آن هماهنگی برای شرکت در انتخابات آتی بوده است.» وی در مورد انتخابات خبرگان تصریح کرد: «ما از فهرستی که از طرف جامعه مدرسین و جامعه روحانیت مبارز در حال شکل گرفتن است، حمایت خواهیم کرد و اگر نقطه‌نظری داشته باشیم نیز اعلام می‌کنیم، اما معتقدیم پشتیبانی از این فهرست جزء ضرورت‌ها است و ما هم به آن عمل خواهیم کرد. در انتخابات شوراها نیز اعتقاد داریم باید به صورت مشترک وارد شویم و ما هم به سهم خود هر وظیفه‌ای را که در این مورد احساس کنیم عمل خواهیم کرد.»

### «سنن الهی» در حسینیه ارشاد

امروز سلسله دروس انسان معاصر و قرآن از ساعت ۵ بعدازظهر در کتابخانه حسینیه ارشاد پیگیری می‌شود. سری جدید این دروس با عنوان سنن الهی از طرف دکتر محسن کدیور ارائه خواهد شد.

## نامه سرگشاده به رئیس جمهور

# دولت نهم و مسئله آزادی

**علی مطهری**

احمدی‌نژاد و چند عضو کابینه‌اش. عکس: رضا معطریان، شرق

**جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد دامت برکاته**
**رئیس جمهور محترم**
**با اهدای سلام و آرزوی توفیق بیشتر برای جنابعالی**

نظر به این که حدود یک سال از دوره ریاست شما می‌گذرد و سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولت نهم به مرحله‌ای از ظهور رسیده که می‌توان درباره آنها قضاوت نمود، قطعاً با ارزیابی و نقد این سیاست‌ها موافقید، گرچه نگارنده بیشتر بر سیاست‌های فرهنگی تاکید دارد. بدون شک انتخاب جنابعالی به عنوان رئیس جمهور در سال گذشته از الطاف خفیه الهی بود و مردم با انتخاب خود انقلاب اسلامی را به مسیر اصلی آن بازگرداندند. و خطر بزرگی یعنی غربزدگی و ایدئولوژی گریزی را که تشخیص آن برای توده مردم مشکل بود از این انقلاب الهی دفع کردند. اهداف و شعارهای اولیه انقلاب اسلامی یعنی عدالت اجتماعی، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، آزادی، معنویت و خلاصه همه هدف‌های اسلامی بار دیگر به معنی صحیح خود مطرح شدند. امیدهای زیادی در دل‌ها زنده شد که یک گام به جامعه ایده‌آل اسلامی نزدیک می‌شویم. خوشبختانه در بسیاری از این زمینه‌ها امیدها و آرزوها در حال تبدیل شدن به واقعیت هستند. مثلاً در باب عدالت اجتماعی هیچ دولتی مانند دولت نهم آن را جدی نگرفته است. ظلمی که در طول سال‌ها به شهرستان‌های کوچک و روستاها شده است و تمرکز عمران و آبادانی در چند شهر بزرگ در حال زایل شدن است که قطعاً سیر مهاجرت به شهرهای بزرگ را کاهش خواهد داد. این دولت بیش از دولت‌های پیشین در مسیر عدالت علی علیه‌السلام حرکت کرده است و البته کسانی که مانند دوره عثمان به تبعیض عادت کرده‌اند مشکلاتی ایجاد کرده و خواهند کرد. شعارهای دولت‌های گذشته که اول توسعه بعد عدالت یا توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است، در این دولت جایی ندارد. در دولت نهم با تاسی به سیره علی علیه‌السلام عدالت حتی یک روز نیز نمی‌تواند به تاخیر بیفتد. در باب استقلال سیاسی باید اذعان کرد که روح حماسه و صلابت بار دیگر به کالبد انقلاب اسلامی دمیده شده است. دیگر مقامات بلندپایه ما در سفر به کشورهای اروپایی به جای آن که به مکتب خود افتخار کنند و اروپایی‌ها را تحت تاثیر قرار دهند از دموکراسی غربی تعریف و تمجید نمی‌کنند. این روح در سایر ملت‌های مسلمان نیز دمیده شده است. اکنون مردم مصر و مراکش و سوریه و اردن و ترکیه و غیر اینها در حال خارج شدن از خودباختگی در مقابل غرب و بازیافتن شخصیت اسلامی خود هستند و مخصوصاً به شخص جنابعالی به خاطر مواضع قاطع و روشن در مسئله فلسطین علاقه ویژه پیدا کرده‌اند و خلاصه در این مدت کوتاه یک ساله چند گام به اتحاد اسلامی نزدیک شده‌ایم. اما آنچه که خلاف انتظار از دولت شما بوده برخی سیاست‌های فرهنگی است. همان طور که خود توجه دارید روح انقلاب اسلامی تحول فرهنگی و تحول روح‌ها به سوی انسانیت است. عمران و آبادانی وسیله و مقدمه برای این هدف و نتیجه است و چیزی است که هر دولتی لااقل برای بقای خود مجبور به انجام آن است، چنان که رژیم سابق نیز برقرار بود تاکنون عمران و آبادانی فراوانی انجام داده بود و در برخی موارد اصولی‌تر زیرا طرح‌ها را دربست به غربی‌ها می‌سپردند، و البته با اختلاس و حیف و میل بسیار بیشتر. بی توجهی به مسائل فرهنگی به معنی گرفتن روح انقلاب اسلامی از کالبد آن است. به علاوه خود بهتر می‌دانید که عدالت اسلامی بدون پشتوانه معنویت و اخوت اسلامی قابل تحقق نیست و با عدالت سوسیالیستی فرسنگ‌ها فاصله دارد. اکثر سیاست‌های فرهنگی این دولت همان سیاست‌های گذشته است و این یک نقطه ضعف بزرگ است. به عبارت دیگر دولت نهم ثقل کار خود را روی مسئله عدالت قرار داده و از برخی ارزش‌های دیگر غافل مانده است. همان‌طور که انسان کامل انسانی است که همه ارزش‌های انسانی را در خود به طور هماهنگ و در حد اعلی رشد داده باشد، جامعه ایده‌آل نیز جامعه‌ای است که همه ارزش‌ها را در خود به طور هماهنگ و در حد اعلی محقق کرده باشد و تک‌بعدی و تک‌ساختی نباشد. به تعبیر شهید آیت‌الله مطهری- که جنابعالی از شیفتگان تفکر ایشان می‌باشید و قبل از انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های آن شهید شرکت می‌کردید- غالباً جامعه‌ها از راه گرایش صد درصد به باطل به گمراهی کشیده نمی‌شوند، بلکه از افراط در یک حق به فساد کشیده می‌شوند. دولت سابق تنها بر یک ارزش تاکید داشت و آن مسئله آزادی بود و البته تا آنجا که شامل آزادی تفکر و آزادی بیان می‌شد بسیار خوب بود و از نقاط قوت آن دولت به شمار می‌رود، اما از سایر ارزش‌ها غافل ماند و در مسائل فرهنگی سیر قهقرایی و گرایش به غرب داشتیم؛ همچنان که دولت سازندگی تنها بر توسعه و عمران و آبادانی تاکید داشت و از برخی ارزش‌های دیگر مانند عدالت غافل ماند. دولت جنابعالی نیز می‌رود که دچار همان اشتباه شود زیرا تنها بر عدالت تاکید دارد و حساسیت لازم را در مسائل فرهنگی ندارد. این نقطه ضعف از همان زمان تبلیغات انتخابات بر صاحب‌نظران آشکار بود اما حمل به صحت می‌شد و این که به این مسائل باید در زمان خود پرداخت. ولی موضع گیری جنابعالی در مسئله نظارت بر پوشش اسلامی در سطح جامعه آن شک و تردید را تقویت کرد و به ظن و گمان تبدیل کرد و امیدوارم که هیچ گاه به یقین تبدیل نشود. در آنجا فرمودید در مسئله انحطاط پوشش اسلامی در کشورمان بزرگ‌نمایی شده است، حال آنکه سخن معترضان واقع‌نمایی بود نه بزرگ‌نمایی و از سر سوز و غیرت اسلامی و انسانی و به حکم احساس تکلیف فریاد برآورده بودند. باز حمل به صحت شد و اینکه لابد طرح بهتری از سوی رئیس جمهور اصولگرا در راه است. لکن غیر از چند اقدام جزیی از جمله ایجاد تمهیدات برای تولید مانتوهای مناسب مشاهده نشد. خود بهتر می‌دانید که نظام خانوادگی اسلام بر دو اصل استوار است، ارضای غریزه جنسی در حد طبیعی و عدم تحریک در سطح جامعه. اگر بنا باشد که راه تحریک در جامعه باز باشد و از آن سو راه ارضا بسته باشد موجب پدید آمدن عقده‌های روحی و روانی خصوصاً در جوانان می‌شود و آنگاه باید بگوییم که روش غربی در این مسئله یعنی آزادی تحریک و آزادی ارضا بر راهی که ما از پیش خود ساخته‌ایم و با اسلام فرسنگ‌ها فاصله دارد و در واقع ممزوجی است از اسلام و غرب برتری دارد و لااقل از ایجاد عقده‌های روانی جلوگیری می‌کند. دولت اسلامی شما دو راه بیشتر در پیش رو ندارد. یا راه ارضاهای نامشروع را باز بگذارد- که اسلام چنین اجازه‌ای به ما نمی‌دهد- و یا با عوامل تحریک مبارزه کند و البته در کنار آن می‌بایست زمینه ازدواج در سنین آغاز جوانی را برای مردم فراهم کرد از راه کاهش مشکلات اقتصادی آنها و از میان برداشتن آداب و رسوم غلط در امر ازدواج که متاسفانه از روش اسلامی و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار بسیار دور شده‌ایم. بدیهی است که مبارزه با عوامل تحریک به معنی گرفتن و زدن و بستن و اهانت به بانوان محترم نیست، راه‌هایی دارد که عنداللزوم به صورت یک طرح جامع ارائه خواهد شد مهم این است که دولت مظهر اجرای آن بخش از امر به معروف و نهی از منکر باشد که مستلزم اعمال قانون است و کار مردم عادی نیست و متاسفانه دولت‌های گذشته همواره از زیر بار آن شانه خالی کرده‌اند. مهم این است که دولت اسلامی به بدحجابی و بی‌حجابی رسمیت نبخشد و مثلاً شلوار و بلوز یا شلوار و پیراهن کوتاه چسبان را مصداق پوشش اسلامی تلقی به قبول نکند. بسیاری از بانوانی که اطلاعات اسلامی آنها اندک است فکر می‌کنند که سکوت دولت در این زمینه به معنی درستی نوع پوشش آنها است، همچنان که بسیاری فکر می‌کنند هر موسیقی‌ای که از صدا و سیما پخش می‌شود خالی از اشکال شرعی است. اکثر این گونه افراد با یک تذکر یا اقدام دولت در وضع خود تجدیدنظر می‌کنند زیرا واقعاً مسلمان‌اند. اما رودربایستی‌ها باعث شده که نه دولت، نه روحانیت و نه هیچ کس دیگر با آنها سخن نگوید و آنها راه خود را درست بپندارند. نگارنده گاه صبح‌ها برای ورزش به برخی پارک‌های تهران می‌رود. گاهی با مناظری از ورزش مختلط بانوان مواجه می‌شود که تاسف‌بار است. چه مانعی دارد که در همه پارک‌ها تهران محل‌هایی ویژه ورزش بانوان احداث شود که آنها بتوانند حتی بدون پوشش اسلامی به ورزش بپردازند. در این صورت بانوان متدین نیز به ورزش در پارک‌ها روی خواهند آورد و حق آنها ضایع نخواهد شد. اگر این کارها در زمان دولت شما که اصولگرا و اسلامی نام گرفته است انجام نشود دیگر چندان امیدی به تحقق آن نباید داشت. البته مسائل فرهنگی منحصر به مسائل مربوط به عفاف جامعه نیست. انتظار این بود که با روی کار آمدن دولت اصولگرا مثلاً برنامه‌ای برای تغییر تابلوهای اماکن مختلف که از اسامی و حروف انگلیسی استفاده کرده‌اند و انسان با دیدن آنها فکر می‌کند در لندن یا پاریس است و هیچ نشانه‌ای از فرهنگ اسلامی و ملی در آنها دیده نمی‌شود ارائه و اجرا شود، ولی ظاهراً حساسیتی در این زمینه‌ها وجود ندارد در حالی که مبارزه با خودباختگی فرهنگی و بازگشت به هویت اسلامی از پایه‌ها و مقدمات اصولگرایی است. مسئله اکران برخی فیلم‌های سینمایی که به فکر و اخلاق جامعه آسیب می‌رسانند مورد سئوال است و اصلاح درخور را نیافته است. همچنین گسترش بی‌حد و حصر و بدون قاعده تبلیغات بازرگانی و تجارتی در معابر عمومی، بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها، خیابان‌ها، و مترو آن هم بیشتر درباره اجناس خارجی، نوعی تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی از داخل است و البته ریشه آن کسب درآمد و تامین بودجه شهرداری‌ها و غیره است و به هر حال باید چاره‌ای اندیشید. باید تفاوتی میان فرودگاه و خیابان ما با فرودگاه و خیابان مثلاً دبی از این نظر وجود داشته باشد. برخلاف نظر سکولارها دولت عهده‌دار مراقبت از عقاید و اخلاق جامعه نیز هست. رهبر گرامی انقلاب اسلامی نیز اخیراً فرمودند دولت عهده‌دار مراقبت از ایمان مردم است. مسائلی مانند اصلاح رفتار اجتماعی مردم مثل طرز رانندگی و رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی توسط راننده و عابر که متاسفانه در ایران وضع اسف‌باری دارد، در حیطه وظایف دولت قرار می‌گیرد. حتی دولت وظیفه دارد با رد و بدل شدن دشنام‌ها خصوصاً دشنام‌های ناموسی در کوچه و خیابان- که باز متاسفانه کم نیست- مبارزه کند و برای عاملان آن مجازات‌های سنگین وضع کند. خلاصه یکی از مربیان جامعه دولت است. در گذشته دور در دنیای اسلام دایره‌ای وجود داشته به نام دایره حبسه یا امر معروف و نهی از منکر، و نظارت بر اینگونه امور برعهده این دایره بوده است. البته مبارزه با این کژی‌ها نیاز به از خودگذشتگی دارد، اما مصلح واقعی کسی است که با نقاط ضعف جامعه مبارزه کند هرچند از محبوبیت اجتماعی او کاسته شود. این که وظیفه دولت را تنها خدمت به خلق بدانیم و خدمت به خلق را نیز در سیر کردن شکم مردم خلاصه کنیم و از سایر ارزش‌ها غفلت ورزیم یک خطای بزرگ است. باز به تعبیر استاد مطهری در این صورت حداکثر به جنبه حیوانی انسان‌ها خدمت کرده‌ایم نه به انسان‌ها. همین‌طور است مسئله تبدیل کلمات عربی رایج به الفاظ فارسی نامانوس که زیرکانه در حال انجام شدن است و نتیجه آن دور کردن نسل آینده از معارف اسلامی است. مثلاً چه لزومی دارد که کلمه «خروج» تبدیل به «برون‌رفت» شود؟ با این منوال، قطعاً بیست سال دیگر آثار امام (ره) و آثار شهید مطهری و دیگر اندیشمندان برای مردم مفهوم نخواهد بود. این در حالی است که نسبت به کاربرد کلمات لاتین حساسیت لازم وجود ندارد و استفاده از این کلمات در صدا و سیما، مطبوعات و تابلوها و غیره سیر صعودی دارد. البته مسائل فرهنگی فراوان است ولی در این نامه فرصت پرداختن به همه آنها نیست. غرض تذکاری بود تا دولت در مجموع موفق جنابعالی از نقص رهاسازی فرهنگی که متاسفانه از دولت گذشته آغاز شد مبرا باشد. شاید یک علت این نقص، تبلیغات رقبا در دوره انتخابات بوده است که جنابعالی را به افراط در مسائل فرهنگی متهم می‌کردند و دولت شما ناخودآگاه در این زمینه حالت انفعالی به خود گرفت. برای جنابعالی توفیق بیشتر از درگاه خدای متعال مسئلت می‌کنم.

**خلاصه نامه**

**۱- شعارهای دولت‌های گذشته که اول توسعه بعد عدالت یا توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی است، در این دولت جایی ندارد.**
**۲- اکثر سیاست‌های فرهنگی این دولت همان سیاست‌های گذشته است و این یک نقطه ضعف بزرگ است. به عبارت دیگر دولت نهم ثقل کار خود را روی مسئله عدالت قرار داده و از برخی ارزش‌های دیگر غافل مانده است.**
**۳- خود بهتر می‌دانید که نظام خانوادگی اسلام بر دو اصل استوار است، ارضای غریزه جنسی در حد طبیعی و عدم تحریک در سطح جامعه. اگر بنا باشد که راه تحریک در جامعه باز باشد و از آن سو راه ارضا بسته باشد موجب پدید آمدن عقده‌های روحی و روانی خصوصاً در جوانان می‌شود.**
**۴- چه مانعی دارد که در همه پارک‌ها تهران محل‌هایی ویژه ورزش بانوان احداث شود.**

## نقدی بر پیشنهاد عبدی و غنی‌نژاد

# ایده خام و پرسش‌های ناتمام

**محمدجواد روح**

«نفت هم مثل مشروب عقل را زائل می‌کند. با این تفاوت که مستی پول نفت، عقل سیاستمداران و عوام را به صورت بلندمدت زائل می‌کند.» این جمله کوتاه از «عباس عبدی» گزاره‌ای درست است که هم او و هم «موسی غنی‌نژاد» در میزگرد «نفت و سیاست» نتیجه نادرستی از آن گرفته‌اند. گویی نفت غیر از سیاستمداران و عوام، منطق را از روشنفکران نیز می‌رباید و نتیجه آنکه چه عبدی و غنی‌نژاد و چه کروبی و احمدی‌نژاد به یک نتیجه می‌رسند: «توزیع پول نفت در میان مردم.» بیایید محتوای ایده را بگشاییم. ماجرا این است که چون دولت در ایران بر درآمدهای نفتی (و نه مالیات) متکی است، پس پاسخگوی شهروندان نیست و احتمال دارد اهدافی خلاف منافع ملی را پی گیرد. از این رو است که هر گاه یک شوک نفتی پیش می‌آید، دولت در عرصه اقتصاد دست و دلباز می‌شود و از آن سو، دریچه‌های سیاست و حتی فرهنگ و اجتماع را می‌بندد. راه‌حل مشترک ارائه شده از سوی عبدی و غنی‌نژاد که البته با شعارهای انتخاباتی کروبی و احمدی‌نژاد نیز همسویی نشان می‌دهد، آن است که «پول نفت را میان مردم تقسیم کنیم تا بخشی از این پول سپس از طریق مالیات به صندوق دولت بازگردد و در نتیجه هم مردم به سطحی بالاتر از رفاه و آسایش برسند و هم دولت مدیون مردم (و در واقع مالیات مردم) شود.» این طرح البته بسیار دلفریب و زیباست. طرحی که در آن کل مسئله «زیربنا»ی دموکراسی در ایران حل می‌شود و لابد پس از آن تنها «روبنا»هایی می‌ماند چون آزادی انتخابات، احزاب، مطبوعات و عقاید. روبناهایی که طبق ایده آقایان عبدی و غنی‌نژاد، اگر هم تاکنون حل نشده، ناشی از همان زیربناست. این تصویر ساده و این راه‌حل آسان، البته به یک پرسش بسیار ابتدایی پاسخ نمی‌دهد: «قرار است چه کسی پول نفت را میان مردم تقسیم کند؟» به نظر نمی‌رسد بزرگواران طرفدار این ایده، پاسخی جز «دولت» در این مورد داشته باشند. اگر این پاسخ را فرض بگیریم، پرسش بعدی پیش می‌آید، مبنی بر اینکه «در آن صورت، تقسیم پول نفت میان مردم، چه تفاوت معناداری با وضعیت فعلی دارد؟» به عبارت دقیق‌تر، «آیا در آن حالت نیز دولت ارباب دست به جیبی نیست که مردمان جان و مالشان وابسته به عنایت اوست؟» شاید گفته شود که در آن حالت، «کل» پول نفت میان مردم تقسیم می‌شود و در شرایط فعلی، «بخشی» از آن، به اشکال مختلف و صرفاً در میان مستخدمان دولت؛ اما پرسش در این حالت هم باقی است و چه‌بسا صریح‌تر هم شود: «آیا بزرگ شدن دامنه تقسیم پول نفت، خود به خود بر بزرگی، پیچیدگی، دامنه‌داری و در نهایت اقتدار و کنترل دولت نمی‌افزاید؟» و پرسش‌های بعدی: این دستگاه گسترده توزیع پول چگونه اداره خواهد شد؟ آیا به ابزارهای نظارتی، امنیتی، کنترلی، حقوقی و احتمالاً موازی گسترده‌تری از آنچه که امروز هست، نیاز نخواهد داشت؟ این پرسش‌های متوالی است که شگفتی را از چهره‌هایی چون عبدی و غنی‌نژاد برمی‌انگیزد که چرا و چگونه، ایده‌ای چنین سترگ را بی‌توجه به حاشیه‌ها و تبعات و توالی فاسدش مطرح می‌کنند و بر مبنای آن، به دفاع از شعار «۵۰هزار تومانی» کروبی می‌پردازند؟ البته از دایره انصاف پا را بیرون نگذاریم که کروبی آنچه در زمان انتخابات ریاست جمهوری گفت، به نوعی سامان دادن به بحث یارانه‌های گسترده موجود بود و ادعایی در جهت دموکراسی از آن نداشت و حتی سخن چندانی هم درباره نسبت این ۵۰ هزار تومان‌ها با پول نفت نگفت. آنکه از آوردن «پول نفت بر سر سفره‌ها» سخن گفت رئیس جمهور کنونی بود. بگذریم که با کدام قرائت این وعده محقق شد یا نشد. اما به نظر می‌رسد که حتی احمدی‌نژاد هم در طرح شعارش دقیق‌تر از عبدی و غنی‌نژاد عمل کرد. او که نه ادعای دموکراسی دارد و نه دعوی تقویت جامعه مدنی، نگاه توده‌ها را بیش از پیش به دستان سخاوتمند دولت دوخت تا پول نفتی بر سر سفرهایش بیاید. دولتی که البته برای چنین کاری، نیاز به ابزارهایی دارد که یکدستی ساختار سیاسی لابد یکی از آنها بوده است. این ابزارها چه ضروری باشد و چه نه؛ قطعاً مورد تایید چهره‌هایی چون عبدی و غنی‌نژاد نیست. حتی اگر ایده آنها، با شعار انتخاباتی احمدی‌نژاد، قرابت واژگانی داشته باشد!

## ائتلاف اصلاح طلبان در گفت‌وگو با محمد عطریانفر

# محور کارگزاران - مشارکت

**گروه سیاسی: شکل گیری ائتلاف میان گروه‌های اصلاح طلب از بحث‌های مطرح در روزهای اخیر است. آن‌طور که فعالان سیاسی و عمدتاً احزاب دو حزب کارگزاران و مشارکت خبر می‌دهند، این ائتلاف با محوریت «سیدمحمد خاتمی» و گروه‌های پیرامونی «اکبر هاشمی رفسنجانی» شکل خواهد گرفت و در انتخابات شوراها نسبت به انتخابات خبرگان جدی‌تر است. «محمد عطریانفر» عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران از جمله چهره‌هایی است که پیش از دیگران خبر از محتمل بودن شکل گیری چنین ائتلافی داد. وی دیروز در گفت‌وگو با سایت آفتاب، از وضعیت کنونی جبهه اصلاحات سخن گفت و در کنار آن به انتقاداتی که «علی اکبر محتشمی پور» عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون از برخی اصلاح طلبان مطرح کرده، پاسخ داد. متن مصاحبه از این قرار است:**

■■■

**■آقای عطریان فر، جناب محتشمی پور در سخنان اخیر خود به انتقاد از برخی طیف‌های اصلاح طلب پرداخته‌اند. به نظر شما این گونه انتقادات چه تاثیراتی در روند ائتلاف جبهه اصلاحات دارند؟**

اظهارنظرات چهره‌های دو جبهه اصلاح طلب و اصول گرا، تاثیرات محدودی دارد و چندان معادلات حاکم را به هم نمی‌زند. اینگونه سخنان هرچند تاثیرات موقت و تاکتیکی‌ای در پی خواهد داشت اما به صورت استراتژیک تغییرات کلی در روند حرکتی جناح‌ها ایجاد نخواهند کرد. شخصیت جناب محتشمی پور هم در جبهه اصلاح طلبان بسیار محترم است و شجاعت، جسارت و سوابق انقلابی ایشان جایگاهی مورد احترام برایشان ایجاد کرده است.

**■ایشان در صحبت‌هایشان عنوان کرده‌اند که در جبهه اصلاح طلبان فرقه‌هایی حضور داشتند که هر دو به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند.**

نخیر، این درست نیست، مسئله جدایی دین از سیاست نبوده است. باید بگویم که تمام تلاش‌های اصلاح طلبان در چندین سال گذشته، چه در زمان آقای هاشمی و چه در زمان آقای خاتمی، مبتنی بر آموزه‌های امام و دیدگاه‌های وی بوده است. لذا اگر کسی در این چهارچوب حرکت کند نمی‌تواند به جدایی دین از سیاست اعتقاد داشته باشد. باید توجه داشت که جدایی دین از دولت با جدایی دین از سیاست متفاوت است.

**■یعنی اصلاح طلبان به جدایی دین از دولت اعتقاد دارند؟**

ببینید، اسلام مذهبی سیاسی است و در کشور ما نیز نزدیک به ۹۸ درصد از مردم مسلمان هستند. از این بابت جدایی دین از سیاست اصلاً مطرح نیست، اما برخی از روشنفکران اصلاح طلب از یک مرزبندی مشخص میان دین و دولت سخن می‌گویند که با انگیزه دفاع از دین صورت می‌گیرد. عده‌ای معتقد هستند برای حفظ مذهب باید میان آن و دولت مرزبندی انجام داد، اما من به شما قول می‌دهم که در هیچ یک از طیف‌های اصلاح طلب، از راست‌ترین طیف آن گرفته تا چپ‌ترین‌اش هیچ یک معتقد به جدایی دین از سیاست نبوده و نیستند.

**■شما پیش از این، محور ائتلاف اصلاح طلبان را خاتمی، هاشمی و کروبی اعلام کرده بودید، اما به تازگی این محور را تنها به خاتمی و هاشمی محدود کرده‌اید. آیا موضع گیری‌های اخیر آقای کروبی در مخالفت با ائتلاف باعث ایجاد شکاف در میان اصلاح طلبان شده است؟**

عکس: میلاد پناهی، شرق

ما از موضع خودمان از حضور آقای کروبی استقبال می‌کنیم. این استقبال واقعاً جدی است چرا که گذشته تاریخی، فعالیت‌ها و دیدگاه‌های ایشان به جریان اصلاح طلبان نزدیک و در آن تعیین کننده است. اما اگر خود جناب کروبی نسبت به همگرایی ائتلاف اصلاح طلبان دیدگاه دیگری داشته باشند و یا بخواهد در قالب حزب اعتماد ملی به صورت مجزا در انتخابات شرکت کنند ما نمی‌توانیم بیشتر از این اصرار کنیم.

**■به هرحال برای اجماع، اصلاح طلبان به یک چهره موجه و قابل توافق نیاز دارند. آیا خاتمی و یا هاشمی حاضر می‌شوند مجدداً در انتخابات شرکت کنند؟**

ببینید، نگاه صرفاً انتخاباتی به آقایان خاتمی و هاشمی درست نیست، این دو عناصر اصلی و سرنوشت‌ساز اصلاح طلبان هستند و حضور آنها در هر شرایطی تعیین کننده است. یعنی حتی اگر به عنوان نامزد هم در انتخابات حاضر نشوند باز هم می‌توانند تعیین کننده باشند. در مورد این دو شخصیت ما دو بحث داریم و باید گفت که آنها دارای دو حیثیت هستند. یک حیثیت نامزدی انتخابات است، که این برمی‌گردد به تشخیص خود و یا همفکران و دوستانشان و البته به ضرورت‌های شرایط نیز بستگی دارد. اما برای ما حیثیت خاتمی و هاشمی مهم‌تر است. نقش آنان در سازماندهی، هدایت و رهبری جریان اصلاحات است. خوشبختانه هر دوی این شخصیت‌ها در این زمینه بسیار فعال‌اند و دیدگاه‌های نزدیکی نیز دارند که باید به سیاست‌ورزی جریان اصلاحات کمک شود.

## خبرها

### توضیح باهنر درباره سلاح هسته‌ای

**ایسنا:** «محمدرضا باهنر» دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین در حاشیه برگزاری مراسم بزرگداشت شهیدان رجایی و باهنر در توضیح سخنرانی اخیر خود مبنی بر «افزایش مطالبات مردم در صورت فشار غرب برای تولید سلاح هسته‌ای» اظهار داشت: «ما در آن سخنرانی گفتیم که تحمل مردم حدی دارد. آنها رسیدن به فناوری هسته‌ای را حق خود می‌دانند و از آن صرف‌نظر نمی‌کنند و مسئولین اجرایی نیز مکلف هستند که نظراتشان را اجرا کنند. ما گفتیم حوصله مردم را سر نبرید. اگر شما به تعاملات غیرمنطقی ادامه دهید ممکن است مردم به خیابان‌ها بریزند و بگویند بمب می‌خواهیم آن‌وقت ما چه بکنیم؟»

### امیدواری مشارکت به ائتلاف

**مهر:** «حسین کاشفی» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با بیان اینکه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات تاکنون جلسات خوبی را برای رسیدن به ائتلاف برگزار کرده است، گفت: «در حال حاضر اکثر نیروهای اصلاح طلب اجماع و ائتلاف را با محوریت و هماهنگی خاتمی دنبال می‌کنند و امیدواریم این امر به سرانجام خوبی برسد.» وی افزود: شورای هماهنگی جبهه اصلاحات بحث ائتلاف را دنبال می‌کند و تاکنون نیز جلسات خوبی را برگزار نموده است. وی در خصوص امکان ائتلاف خاتمی و هاشمی رفسنجانی در انتخابات آتی که اصلاح طلبان به دنبال آن هستند، نیز اظه